

با قتل مسافر سالخورده اصفهانی در مشهد آغاز شد

تکاپوی پلیس برای شناسایی مال باختگان «آبمیوه های سمی»

سجادپور - با تاکید قاضی ویژه قتل عمد مشهد، تکاپوی پلیس برای شناسایی مال باختگان آغاز شد که طعمه سرقت های مرد سابقه دار با شگرد فروش و با تعارف قرص های کمر در دو توان افزایی مردان قرار گرفته اند و بانوشیدن آبمیوه های مسموم خواب آور، اموال خود را از دست داده اند. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این مرد خطرناک که متهم است با خوردن آبمیوه های سمی به مسافران و زائران در اطراف حرم مطهر امام رضا(ع) پیر مرد ۸۸ ساله اصفهانی را به قتل رسانده است، در حالی به سرقت های اموال مسافران دیگر شهر های کشور در مشهد اعتراف کرد که ادعای کندیک زن جوان

نیز در ارتکاب جرم او را اهنمایی می کرد.

این مرد متهم به قتل، از ۲ سال قبل به جرم سرقت باهمین شگرد در زندان به سر می برد که پس از مرخصی چندروزه از زندان گریخته و به جرایم خود در هسته مرکزی شهر و به ویژه اطراف حرم مطهر امام رضا(ع) ادامه داده است. در همین حال، قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد با استناد به مواد قانونی دستور انتشار تصویر بدون پوششی وی در روزنامه خراسان را صادر کرد تا مال باختگان که در شهر های دیگر کشور یا در مشهد، طعمه فروش یا تعارف قرص های توان افزایی مردان شده اند و بانوشیدن آبمیوه به خواب رفته و اموال خودشان

متمم به قتل ۱۷ ساله در گفت وگو با خبرنگار روزنامه خراسان مطرح کرد

جنایت به خاطر نیش زبان های زهر آلود!



در بیمارستان، رنگ جنایت گرفت و با دستورات محرمانه قاضی صفری به پلیس آگاهی مشهد ارسال شد.



از دواج کرده بود، رفتارهایی از خودش نشان می داد که من خجالت می کشیدم و این لحظه ها در ذهنم ماندگار شده است.

ماجرای قتل چگونه آغاز شد؟ از قبل تصمیم گرفتی؟
بله! وقتی خواهرم به درون اصطبل رفت تا به گوسفندان صاحب ویلا علوفه بدهد، من هم پشت سرش رفتم و با دست گلویش را فشار دادم. بعد هم با سیم شارژی که به همراه داشتم، او را خفه کردم و سپس با پدرم تماس گرفتم و موضوع را گفتم.

پدرت سر ایدار ویلا بود؟ بله! ما به صورت خانوادگی در آن ویلا زندگی می کردیم و پدرم نیز به عنوان سر ایدار آن جا کار می کرد.

برای هم سن و سال های خود حرفی نداری؟ می خواهم بگویم رفتار خودشان را تغییر بدهند. این نیش زبان ها و تحقیر کردن دیگران، نه تنها لذت بخش نیست بلکه سر زور است. اگر آن ها مرا به خاطر رفتار های خواهرم مسخره نمی کردند من هیچ وقت دست به چنین عملی نمی زدم.

به خواهرت تذکر ندادی؟ چرا چند بار گفتم ولی او چون از من بزرگتر بود توجهی نمی کرد می گفت: به توربلی ندارد! من هر کاری دوست داشته باشم انجام می دهم! چه کسی می خواهد جلوی مرا بگیرد!

حرف پایانی! معلم ها باید در مدارس به نوجوانان بیاموزند که نیش زبان و تحقیر دیگران بسیار زشت است.

کجاست؟ آن ها با این متلک گویی ها چنان اعصابم را به هم می ریختند که بالاخره طاقتم طاق شد و تصمیم به قتل خواهرم گرفتم.

مگر خودت رفتار ناشایستی از خواهرت دیده بودی؟
نه! من چیزی ندیدم فقط به خاطر این که چند سال قبل با پسری فرار کرده و به شمال کشور رفته بود، این حرف ها را پشت سرش می زدند!

خواهرت دوباره از دواج کرده بود؟ بله! بعد از آن که به مشهد باز گشت. خودش را به بهزیستی معرفی کرد که آن جا هم با یکی از دواج کرده بود.

پس اگر خواهرت شوهر و پدر داشت تو چرا جوگیر شدی؟ متهم سکوت کرد و پاسخی نداد.

مگر انسان به خاطر حرف مردم و متلک های آنان آدم می کشد؟ دیگر خسته شده بودم. خواهرم ۳ بار فرار کرد و همه پشت سرمان حرف می زدند. خودم هم نمی دانم چرا باید از تحقیر کردن دیگران لذت ببریم!

چرا با کسی مشورت نکردی؟ هیچ کس به من کمک نمی کرد! همه سرگرم زندگی خودشان بودند.

ناراحتی اعصاب داری؟ نه!
مشروبات الکلی یا مواد مخدر مصرف نمی کنی؟ نه!
هیچ وقت مصرف نکردم.

پشیمانی؟ حالا دیگر پشیمان باشم یا نه، چه سودی دارد!
در دوران کودکی رفتار های ناشایستی از خانواده ات دیده بودی؟ بله! همین خواهرم زمانی که تازه

ساله اش را در منطقه پیچ ساغران مشهد به قتل رساند. این متهم به قتل پس از آن که در اولین جلسه بازپرسی با سوالات قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به صراحت ارتکاب قتل را پذیرفت به سوالات خبرنگار روزنامه خراسان نیز در باره سرگذشت خود و چگونگی این ماجرای تلخ پاسخ داد.

چند سال داری؟ تازه وارد ۱۷ سالگی شدم!
باسوادی؟ تا کلاس پنجم ابتدایی در محل روستای زندگی ام درس خواندم.

چه ادامه تحصیل ندادی؟ دوست نداشتم.

به دنبال شغلی هم رفتی؟ بله! سنگ کارم و در مشهد کار می کنم.

چند خواهر و برادر داری؟ با خواهرم که به قتل رساندم ۹ خواهر و برادر بودیم.
البته من و خواهرم (مقتول) از یک مادر بودیم و بقیه ناتنی هستند.

یعنی پدرت دوزن دارد؟ بله! او یک زن داشت که با مادر من ۲۵ سال قبل از دواج کرد.

چه شد که دست به چنین جنایتی زدی؟ خواهرم از شوهرش طلاق گرفته بود و رفتار های نامناسبی داشت. به همین خاطر هم مدام هم سن و سال ها و دوستانم به من نیش و کنایه می زدند و این گونه تحقیر می کردند. از نگاه های مردم حتی زجر می کشیدم. یکی می گفت: از خواهرت چه خبر؟ دیگری می گفت: خواهرت



متهم به قتل

«رحمان و رحیم» دزد سابقه دار از آب درآمدند

پایان سرقت های «برادران چرخ بر» در ایستگاه خیام!



انجام دادیم. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: در همین حال «رحیم-پ» متهم دیگر که ۱۰ فقره سابقه کیفری دارد و سابقه کیفری دارد و ۲ سال قبل از زندان آزاد شده است نیز در باره اتهام سرقت خود به افسران دایره تجسس گفت: سرقت ها را برادرم به تنهایی انجام می دهم و من با خودروی پر اید مسافر کشی می کنم. این لاستیک زاپاس را هم برادرم سرقت کرده بود که بایکدیگر آدمیم تا آن را بفروشیم! بنا بر این گزارش، تحقیقات گسترده نیروهای کلانتری شفای مشهد برای ریشیابایی سرقت های احتمالی دیگر این متهمان و دستگیری مالخران و همدستان آن ها آغاز شده است.

چرخ خودرو را از منطقه سنا باد مشهد سرقت کرده اند. این گونه بود که با انتقال دو جوان پر اید سوار به کلانتری، تحقیقات ریزبینانه از دو برادر در دایره تجسس آغاز و مشخص شد که یکی از متهمان دارای ۷ فقره و دیگری ۱۰ فقره سابقه کیفری به جرم سرقت و اعتیاد دارد. «رحمان-پ» با بیان این که لاستیک را از خیابان ثنایی و از صندوق عقب پژو پارس سرقت کرده است به ماموران انتظامی گفت:

من سرقت را به تنهایی انجام دادم و اکنون پشیمانم! این متهم که ۷ فقره سابقه کیفری دارد و سعی می کرد برادرش را از اتهام سرقت برهاند، در باره چگونگی سرقت هایش ادامه داد: ساعت حدود ۲۳ شب بود که خودروی پژو پارس را زیر نظر گرفتم و منتظر ایستادم تا کوچه خلوت شود. سپس چرخ را سرقت کردم و در حال فروش آن بودم که دستگیر شدم. وی به اعتیاد خود نیز اشاره کرد و گفت: من فرزند ناتنی خانواده هستم و کسی را ندارم به همین خاطر هم رفتار مواد افیونی شدم و برای تأمین هزینه های اعتیادم سرقت می کنم البته گاهی در پوشش جمع آوری ضایعات به صندوق عقب خودروها دستبردمی زنم و لاستیک زاپاس، جعبه آچار و دیگر لوازم را به سرقت می برم. این متهم ۴۰ ساله همچنین در اعترافات خود گفت: گاهی چرخ خودروهای پارک شده را نیز با می کنم و به هر کسی که خریدار باشند آن را می فروشم تا هزینه های اعتیادم را تأمین کنم. وی که به خاطر سرقت سریع چرخ خودرو به «چرخ بر» معروف شده است، افزود: سرقت هایم را در خیابان های عبدالمطلب، بایس، هدایت، مطهری، ایثارگران، موسوی قوچانی، سنا باد،

سجادپور - پلیس مشهد در حالی به سرقت های سرپالی «برادران چرخ بر» پایان داد که قصد داشتند یک حلقه لاستیک خودرو را به فروش برسانند. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران کلانتری شفای مشهد که طی روز های گذشته در عملیات های شبانه روزی چندین باند بزرگ سرقت را متلاشی کرده اند، این بار نیز با پلیس گیری از تجربیات و دستورات ویژه سر دار احمدنگهبان (جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی) به تقویت منابع و مخبران محلی پرداختند و از سوی دیگر نیز آموزش ها و توصیه های پلیسی را به تعمیرگاه ها و کسبه و وظیفه شناس ارائه دادند تا در صورت بروز دبا موارد مشکوک فروش قطعات و لوازم خودروها با پلیس تماس بگیرند. به همین منظور گروهی از افسران دوا بر تخصصی وارد عمل شدند با دستور ات ویژه سرگرد احسان سبکیار (رئیس کلانتری شفا) به صورت چهره به چهره از کاسبان و تعمیرکاران زحمتکش خواستند تا برای مقابله با سرقت ها، پلیس را باری کنند. طولی نکشید که اقدامات حرفه ای پلیس به نتیجه رسید و یکی از منابع محلی از فروش مشکوک چرخ خودرو با بهای ارزان در بولوار خیام خبر داد. با این تماس تلفنی بلافاصله گروهی تخصصی از افسران کارآزموده به سرپرستی سروان چاووشی (جانشین کلانتری شفا) اعزام محل شدند و دو مرد ۴۰ و ۴۵ ساله را در حالی دستگیر کردند که قصد داشتند یک چرخ خودرو را به قیمت ۵۰۰ هزار تومان به فروش برسانند. دو برادر که «رحمان و رحیم» نام دارند در همان بازجویی های اولیه به تناقض گویی افتادند و بالاخره اعتراف کردند که

توبوسی را در زیر پل میثاق متوقف کنند که تعداد زیادی تجهیزات و گیرنده های ماهواره ای قاچاق را حمل می کرد. در همین هنگام دو مرد جوان سوار بر دو دستگاه پر اید از راه رسیدند تا محموله ای را تحویل بگیرند که از شمال کشور به مشهد ارسال شده بود. بنا بر این دو متهم در حالی دستگیر شدند که یکی از آنان صد میلیون تومان رشوه به عوامل انتظامی پیشنهاد کرد. با انتقال متهمان به مرکز انتظامی، مشخص شد که آنان ۲۸۸ دستگاه تجهیزات دریافت از ماهواره ای قاچاق را به مشهد منتقل کرده اند. بررسی های بیشتر در این باره ادامه دارد.

کشف گیرنده های ماهواره در پایانه مسافری مشهد

گروه حوادث - ۲۸۸ دستگاه تجهیزات و گیرنده های ماهواره در پایانه مسافری مشهد کشف و ۲ متهم نیز دستگیر شدند. به گزارش پلیس مشهد، ماموران اطلاعات و امنیت عمومی کلانتری یکی از پایانه های مسافری در مشهد موفق شدند با رصد های اطلاعاتی،



ادامه دارد.

در امتداد تاریکی

مخمصه هووها!

بیش از ۱۳ سال با همه سختی ها و بدبختی های زندگی مشترک ساختم و دم بر نیاوردم. همسرم که مردی پولدار است اکنون اجازه نمی دهد دختر مرا در مدرسه غیرانتفاعی ثبت نام کنم در حالی که برای فرزندان هوویم خیلی خرج می کند. وقتی تقاضای طلاق دادم، مدعی شد که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۱ ساله که به اتهام توهین و تهدید به ترک انفاق از همسرش شکایت کرده بود، در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی قاسم آباد مشهد گفت: ۱۸ ساله بودم که پای سفره عقد نشستم و با جوانی از دواج کردم که عشق خیابانی اش چشممان را کور کرده بود.

خلاصه آن زمان آسمان و زمین را به هم دوختم تا کسی مانع از دواج من و «سجاد» نشود ولی در همان دوران نامزدی متوجه شدم که همسرم به مواد مخدر اعتیاد دارد و حالا آینده خودم را در تنهایی می دیدم و به اشتباه خود پی بردم ولی دیگر دیر شده بود و سرنوشت مرا به سیاهی و نابودگی گره زده بودم. خلاصه طلاق را به ادامه زندگی مشترک ترجیح دادم و در ۱۹ سالگی از «سجاد» جدا شدم و به خانه پدرم بازگشتم اما پدرم نیز بر سر مادرم هوو آورده بود و زندگی سختی داشت. در این شرایط و به اجبار پدرم با مرد دیگری از دواج کردم که ۲۰ سال از من بزرگتر بود و همسر و فرزند داشت. این گونه از دواج ها هنوز هم در بسیاری از مناطق کشور وجود دارد و دختری که به هر دلایلی طلاق می گیرد باید با مردی مسن یا متاهل از دواج کند! در این شرایط پدرم همواره تاکید می کرد که با لباس سفید به خانه شوهر می روی و با کفن از آن جا خارج می شوی! به همین خاطر من بسیاری از تلخکامی ها را تحمل می کردم تا فرزندم به سرنوشت من دچار نشود. «یحیی» چند سال بعد از از دواج، خیلی به من کمک می کرد و کرد و گاهی حدود یک هفته به منزل من نمی آمد.

دخترم مدام سراغ پدرش را می گرفت و من هم با این جمله که «سرکار است» او را سرکار می گذاشتم! در عین حال او با آن که معتاد بود اما برای فرزندان هوویم و لخرجی می کرد و من هم ناراحت نبودم چرا که باید هزینه های همسر اولش را هم می پرداخت اما مشکل اصلی ما از حدود ۳ سال قبل آغاز شد که «یحیی» ادا می کرد پول ندارد و به من نفقه کمتری می داد در حالی که به چشم خودم می دیدم چگونه برای فرزندان دیگرش هزینه می کند. کار به جایی رسید که به ناچار تقاضای طلاق دادم اما او مدعی شد باید همه اموال ما را ببرد، خانه و سند ملکی محل کارش را به او بازگرداند و مثل روزی که به خانه او قدم گذاشته ام به خانه پدرم بازگردم! من هم گفتم اگر تو جوانی ام را به من بازگردانی، من هم اموال را به تو پس می دهم! در همین گیر و دار بود که برای گرفتن مدارک ثبت نام دخترم در مدرسه غیرانتفاعی به محل کارش رفتم. او وقتی در گاو صندوق را گشود ناگهان با بسته های دلار و یک پول زیادی روبه رو شدم که داخل گاو صندوق بود اما شوهرم ادعای کرد پولی برای ثبت نام دخترم در مدرسه غیرانتفاعی ندارد! به همین خاطر بایکدیگر درگیر شدیم و او در حالی که به من توهین می کرد با میله آهنی به سرم کوبید به طوری که نزدیک بود از پله های ساختمان سقوط کنم!

با آن که من حتی با اعتیاد همسرم کنار آمدم و روز های تلخی را گذراندم اما اکنون او، هوویم را به من ترجیح می دهد و این گونه برخورد می کند. ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: بررسی راهکارهای قانونی و اقدامات مشاوره ای درباره مخمصه هووها با دستور سرهنگ محمدبزی (رئیس کلانتری قاسم آباد مشهد) در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

با اعترافات یک دزد و دستگیری مالخر

انبار لوازم سرقتی لورفت

خودرو ۲ باتری اتوبوس را کشف کردند. با حضور مال باخته در محل، مشخص شد که سرقت دقایقی قبل انجام شده است. بنا بر این، سارق جوان با دستور سرهنگ جواد یعقوبی (رئیس کلانتری سپاد) به مقر انتظامی انتقال یافت و به سرقت باتری ها اعتراف کرد. وی همچنین گفت: باتری های سرقتی را در اطراف جاده پر کند آباد به یک مالخر می فروشم! به دنبال اعترافات متهم، بلافاصله افسران دایره تجسس وارد عمل شدند و از طریق سارق با مالخر مذکور قرار صوری گذاشته تا اموال سرقتی را بفروشند. اما هنگامی که مالخر میان سال در سر قرار حاضر شد، خود را در محاصره پلیس دید و انبار قطعات خودرو را

لوداد. در بازرسی از این محل که با دستور قضایی صورت گرفت، باتری، پیک نیک، رینگ، لاستیک، ضبط و پخش و ... کشف شد که بررسی ها در باره اموال و لوازم مشکوک به سرقت همچنان ادامه دارد.

سجادپور - با اعترافات سارقی که باتری خودروهای سنگین را می دزدید، انبار لوازم سرقتی یک مالخر در حالی لورفت که وی برای خرید اموال سرقتی به محل قرار صوری پلیس آمده بود. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران گشت نامحسوس کلانتری سپاد مشهد، هنگام انجام وظیفه در خیابان شهید رودی به خودروی پر ایدی مشکوک شدند که راننده آن اضطراب عجیبی داشت و مدام اطراف خود را می پایید. در همین هنگام ناگهان یک فقره سرقت باتری اتوبوس نیز در همین محل به افسران گشت اعلام شد. با توجه به محیط جغرافیایی جرم، ماموران انتظامی بی درنگ به سراغ جوان ۳۰ ساله پر اید سوار رفتند و در بازرسی از داخل



ادامه دارد.

آدم ربایی برای تسویه حساب مالی

توکلی - با ورود دادستانی، جوان کهنوجی از چنگال آدم ربایان آزاد شد. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کهنوج بیان کرد: یک جوان کهنوجی که اسفند سال قبل به گروگان گرفته و مرزهای شرقی کشور منتقل شده بود با اقدامات دادستانی از چنگال گروگان گیران آزاد شد.

قاضی امیر رضائی در تشریح جزئیات این خبر ادامه داد: پس از اطلاع از یک فقره آدم ربایی در شهرستان کهنوج در جنوب کرمان رسیدگی به موضوع در دستور کار دادستانی و پلیس شهرستان قرار گرفت. وی اظهار کرد: با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی هویت آدم ربایان مشخص شد و موفق شدیم با استفاده از ظرفیت مصلحان و سران طوایف محلی، فرد ربوده شده با سلامت کامل جسمی از چنگال آدم ربایان رهایی یابد.

این مسئول قضایی، علت و انگیزه آدم ربایان را مسائل مالی ذکر کرد و خاطرنشان کرد: در این زمینه چند متهم تحت تعقیب قضایی قرار گرفته اند و دستورات قضایی ویژه جهت دستگیری متهمان صادر شده است.